شورای هماهنگی جبهه اصلاحات کمیته انتخابات ندارد

یک عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گفت: در انتخابات با شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان همکاری می‌کنیم و هیچ کمیته، هسته یا کمیسیون انتخاباتی در شورای هماهنگی برای انتخابات ۹۶ شکل نگرفته است. یدالله طاهرنژاد در ارتباط با نحوه ورود شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به انتخابات سال ۹۶ اظهار کرد: همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، براساس رای قاطع اکثریت اعضا مقرر شده تا شورای هماهنگی جبهه اصلاحات فعالیت‌های خود را در قالب جمع بزرگ‌تر اصلاح‌طلبان یعنی شورای عالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح‌طلبان پیش بگیرند. ایسنا

سرخط خبرها

- **محمد سالاری، عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان: فیلترینگ توییتر، فیس بوک و اینستاگرام دیگر موضوعیت ندارد.** ایرنا
- **محمدرضا باهنر، دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری: همایش ۴ هزار نفری جبهه مردمی نیروهای انقلاب برگزار می‌شود.** فارس
- **امیر ابراهیم رسولی، مسوول روابط عمومی و تبلیغات جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی: نخستین نشست خبری مرضیه وحیددستجردی، سخنگوی این جبهه برگزار می‌شود.** ایسنا
- **فاطمه آلیا، عضو جبهه پایداری: جبهه پایداری قطعا برای انتخابات ۹۶ گزینه دارد و گزینه ما فردی اصلح است.** باشگاه خبرنگاران جوان
- **پرویز سروری، دبیر کل جمعیت رهپویان انقلاب: ائتلاف نیروهای انقلاب برای انتخابات شورای شهر تهران اوایل بهمن تشکیل می‌شود.** تسنیم

خبر کوتاه

فتاح: خیال‌تان راحت، نمی‌آیم

پرویز فتاح خطاب به تمام آنانی که در خصوص حضورش در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری سوالاتی را دارند، گفت: خیال‌تان راحت، نمی‌آیم. وی در ادامه با بیان آنکه هرگونه فعالیت غیرامدادی را بر خودم حرام می‌دانم، اظهار کرد: من اصلا در فضا و وادی انتخابات نیستم و امروز اگر هر کاری در کمیته امداد انجام می‌دهم در چارچوب وظایفم است. دیگر نمی‌دانم به چه زبانی بگویم من در وادی کاندیداتوری انتخابات ریاست‌جمهوری نیستم و قصد ورود به این وادی هم ندارم. رییس کمیته امداد امام خمینی(ره) همچنین اظهار کرد: به صراحت می‌گویم هیچ وابستگی، تعلق و عضویتی به هیچ گروه سیاسی ندارم اما در بین طیف‌ها و گروه‌های سیاسی فعال در کشور دوستان زیادی دارم، با این حال هیچ قصد و نیت سیاسی و انتخاباتی در ذهنم نیست. زیرا به هیچ‌وجه در کاری غیر از خدمت به فقرا و فعالیت در کمیته امداد احساس تکلیف و وظیفه نمی‌کنم. وی همچنین با تاکید بر آنکه برای ورود در انتخابات احساس تکلیف نمی‌کنم؛ گفت: اگر هم با محافل سیاسی نشست و برخاستی داشتم که چنین تصوری را در اذهان ایجاد کرده است از کسانی که این تفکرات را در ذهن دارند می‌خواهم که بگویند این نشست و برخاست‌ها کی و کجا بوده؟ ایسنا

قصد شرکت در هیچ انتخاباتی را ندارم

دبیرکل حزب کارگزاران گفت: بارها اعلام کرده‌ام که قصد شرکت در هیچ انتخاباتی را ندارم، مشخص نیست این لیست‌ها با چه هدفی منتشر می‌شود. غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران درباره لیستی که اخیرا منتشر شده و نام او به عنوان رییس شورای شهر ذکر شده است، گفت: من هم مانند بقیه این لیست را دیده‌ام؛ این لیست کذب محض است و معلوم نیست منبع آن کجاست. اصلاح‌طلبان و شورای‌عالی سیاستگذاری همچنین لیستی را منتشر نکرده‌اند. لیستی که ارایه شده از نظر ما خلاف است، برای خود مجموعه اصلاح‌طلبان هم جای سوال دارد که چرا باید این اتفاق بیفتد. در لیست افرادی مطرح شده‌اند که با نگاهی مشخص می‌توان فهمید قصد ورود به انتخابات را ندارند. قاعدتا این رفتارها در ماه منتهی به انتخابات صورت می‌گیرد و هدف آنها ایجاد جنگ روانی است. کرباسچی در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون با او برای حضور در لیست گفت‌وگویی صورت گرفته است یا خیر، اظهار کرد: من بارها اعلام کرده‌ام که قصد شرکت در هیچ‌گونه انتخاباتی را ندارم. نه تنها من، بلکه بسیاری از دوستان که در این لیست غیرواقعی نام‌شان ذکر شده قصد شرکت در انتخابات را ندارند.

با رفتارهای پوپولیستی دنبال جمع آوری رای هستند

استاد حوزه علمیه قم گفت: افراطیون اگر نگران کشور هستند، به جای نقد دولت سیاستگذاری‌های کلان خود را در اقتصاد مطرح کنند. محسن غرویان، استاد حوزه علمیه قم درباره رفتارهای سعید جلیلی و مناظره‌های غیرمستقیم او با قالیباف و روحانی گفت: طبیعی است که برخی هنگام انتخابات کسانی که قصد شرکت دارند، یاد مردم می‌افتند و از فقر موجود و وضع معیشت مردم انتقاد می‌کنند تا بخواهند با رفتارهای پوپولیستی رای جمع کنند. این افراطیون اگر نگران کشور هستند، به جای نقد دولت سیاستگذاری‌های کلان خود را در اقتصاد مطرح کنند، کارتن‌خواب‌ها و گورخواب‌ها یک مساله جزیی از کل مسائل موجود در کشور است. ایلنا

لیست انتخاباتی منتسب به اصلاح‌طلبان واقعی نیست

رییس کارگروه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری شورای عالی سیاست گفت: لیستی از سوی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان منتشر نشده است. برخی با انتشار چنین لیست‌هایی می‌خواهند نظرات خود را القا کنند. حسین کمالی گفت: تا این لحظه شاخص‌هایی که بر اساس آن کاندیداها مشخص می‌شوند، قطعی نشده. این شاخصه‌ها بعد از تصویب در شورا، به استان‌ها اعلام خواهد شد که بعد از آن برنامه اصلاح‌طلبان برای گزینش افراد را آغاز می‌کنیم. ایلنا

نگاه روز

محمدجواد حق‌شناس

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی

دولت مدافع خوبی برای کارنامه خود نیست

جریانی که مخالف حضور مجدد آقای روحانی در پاستور است تمام تلاش خود را برای تحقق این خواسته به کار بسته است. این جریان بر اساس واقعیت‌های میدان تشخیص داده که دولت چندان مدافع خوبی برای کارنامه خود نیست و بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری خود را برای تضعیف و کوچک جلوه دادن دستاوردهای دولت و فروکاستن جایگاه دولت در بین افکار عمومی به کار بسته است. جریان اصولگرایی روی این برنامه‌ریزی در انتخابات آتی حساب کرده است.

تنها نکته‌ای که همه جریانات موافق و مخالف آقای روحانی در آن همراه هستند و حتی حلقه اول حامیان دولت نیز بر آن صحه گذاشته‌اند، ضعف تیم رسانه‌ای دولت است. شاهدی بر این مدعا وجود ندارد که دولت در حوزه توضیح دستاوردهایش موفق عمل کرده باشد. تیم دولت امروز ناتوان از ارایه یک دفاع منطقی از عملکردش بوده است و بار این توضیح بر دوش آقای روحانی به عنوان رییس دولت سنگینی می‌کرده است.

آقای روحانی از این جهت بزرگ‌ترین ضربه را در انتخابات آتی از خودش و نزدیکانش خواهد خورد. مخالفان در عرصه رقابت با آقای روحانی و تخریب دولت، بر اساس واقعیت‌های میدان عمل کرده‌اند. آنها امیدوارند که به نتیجه برسند و به هدف خود، که شکست آقای روحانی در سال ۹۶ است جامه‌عمل بپوشانند. جریان اصولگرا در این راه از تمامی ابزارهای در اختیارش بهره گرفته است. نقطه اتکای آنان این است که دولت آقای روحانی در انتخابات ۹۲ با کمتر از نیم درصد رای به پیروزی رسید و برنامه‌ریزی‌های جریان مخالف نیز بر همین پایه بنا شده است. اصولگرایان هدف‌گذاری کرده‌اند که لااقل در مرحله اول انتخابات، آقای روحانی نتواند به پیروزی برسد و از این طریق شانس خود را برای پیروزی افزایش دهند. این جریان سیاسی کمترین برنامه‌ای که برای رقابت‌های انتخاباتی دارد این است که آقای روحانی را در رقابت‌های سال ۹۶ به مرحله دوم برساند. برای تحقق این امر مدیریت افکار عمومی یک امر کاملا حرفه‌ای است.

بر اساس نیازهای جامعه باید شکل گیرد و بر آن اساس تبلیغاتی به لحاظ علمی و کمی علیه دولت تدوین شود. به همین دلیل است که دولت آقای روحانی باید در مقابل هجمه‌های صورت گرفته به مدیریت افکار عمومی بپردازد و برنامه‌ای مدون در این راستا داشته باشد. طبیعی است که با وجود تبلیغات گسترده علیه دولت ابهام‌ها و سوالاتی در ذهن مردم ایجاد شده است. دولت باید در مقابل این سوالات پاسخ شفاف و روشنی داشته باشد. در صورت عدم پاسخگویی شفاف و کارشناسی شده به این سوالات آقای روحانی با ریزش رای مواجه خواهد شد و شانس پیروزی‌اش در انتخابات آتی کاهش می‌یابد. جریان رقیب امکاناتی گسترده و فراگیر برای تحقق هدف خود دارد، درحالی که آقای روحانی در مقابل از امکانات چندانی برای پاسخگویی برخوردار نیست. همین است که تعلل دولت در راستای اقناع‌سازی افکار عمومی می‌تواند برای آرای آقای روحانی در سال ۹۶ خطر ساز باشد. در مقابل تاکتیک‌ها و راهبردهای جنگ روانی مخالفین نمی‌توان سکوت کرد. مهم‌ترین موفقیت آقای روحانی یعنی برجام به عنوان یک برند برای رییس دولت یازدهم محفوظ مانده است و دقیقا جریان مخالف دولت یک جنگ روانی را در همین حوزه به جریان انداخته است. اگر این جریان موفق شود که برجام را مخدوش نشان دهد، ضربه بزرگی به پایگاه رای آقای روحانی وارد کرده است. در این بخش نیز به نظر نمی‌رسد که جریان رقیب خط قرمزی را رعایت کرده باشد و با توسل به هر روشی بر دولت تاخته است. حتی به جرات می‌توان گفت که این جریان به منافع ملی نیز در این راستا توجهی نکرده است.

آقای روحانی و گروه رسانه‌ای و تبلیغاتی‌اش باید بیندیشند که چه سخن تازه‌ای در این مورد دارند که بتوانند مردم را برای حضور در یک انتخابات حداکثری ترغیب کنند. بخشی از دلیل حمایت اصلاح‌طلبان از دولت آقای روحانی معطوف به شرایط نامطلوب برای سیاست ورزی اصلاح‌طلبان و اقدامات رقیب در هشت سال ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد بود. جریان اصلاحات در دولت پیشین از کوچک‌ترین فعالیت‌های سیاسی نیز منع می‌شد و امکان تاثیرگذاری‌اش بر عرصه قدرت کاملا بعید به نظر می‌رسید اما این جریان سیاسی تلاش کرد تا با حمایت از یک گزینه با پایگاه اصولگرایی کم‌وبیش به عرصه قدرت بازگردد. در واقع در سال ۹۲ اصلاح‌طلبان یک سیاست ورزی حداقلی را در انتخابات برگزیدند و با پیگیری این سیاست نیز کم و بیش به موفقیت‌هایی دست پیدا کردند. امروز جریان اصلاح‌طلب به وضعیت موجود تاحدودی رضایت داده است. در غیر این صورت سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان شکل دیگری به خود می‌گرفت.

اصلاح‌طلبان با وجود نقدهایی که به دولت دارند همچنان در سال ۹۶ از آقای روحانی حمایت می‌کنند. دولت آقای روحانی در برخی از حوزه‌ها می‌توانست خیلی بهتر عمل کند. از این رو یک دفاع صددرصدی نمی‌توان از دولت یازدهم انجام داد. با این حال مهم‌ترین رخداد دولت آقای روحانی توقف روند تخریبی بنیان برانداز دولت پیشین بوده است. این رویکرد تخریبی اساس نظام و کشور را هدف قرار داده بود. گویی که دوستان در دولت قبل ماموریت داشتند کشور و منابعش را در همه حوزه‌ها شخم بزنند. می‌توان گفت که در دولت کنونی توقف این روند را شاهد بودیم و این دستاورد خوبی است. توقف این روند مهم‌ترین اتفاقی بود که مردم نیز آن را شاهد هستند. امید است که دولت آقای روحانی بتواند در زمان باقیمانده هر چه بیشتر پایگاه اجتماعی‌اش را برای حضور پای صندوق‌های رای توجیه کند.

گزارش روز

پیشنهاد مدل دوحزبی

محسن میردامادی تشکیل دو جبهه فراگیر اصلاح طلب و اصولگرا را مطرح کرد

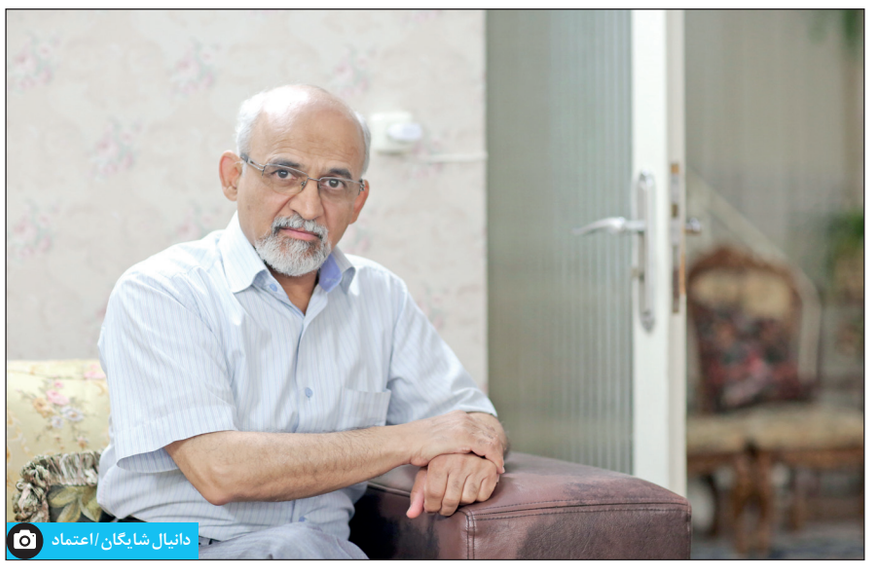

دانیال شایگان/اعتماد

چرا تشکیلات فراگیر اصلاح‌طلب

امروز به یک تشکیلات فراگیر سیاسی نیاز داریم که بتواند اکثریت قریب‌به‌اتفاق اصلاح‌طلبان را در برگیرد و اصلاحات را مدیریت کند. به‌دلیل واقعیت‌هایی که امروز در جامعه ما وجود دارد ممکن است این تشکیلات گسترده نتواند یک حزب باشد، اما می‌تواند یک جبهه فراگیر باشد. جبهه‌ای که در برگیرنده احزاب و شخصیت‌های مختلف اصلاح‌طلب بوده و در صورت موفقیت به سمت یک حزب فراگیر حرکت کند.

گروه احزاب

«بایدها و نبایدهای تحزب در ایران» عنوان نشستی بود که عصر پنجشنبه اعضای حزب اتحاد ملت ایران اسلامی را در دفتر این حزب گرد هم آورد تا از زبان محسن میردامادی، دبیر کل یکی از اثرگذارترین و البته چالش‌برانگیزترین حزب‌های پس از انقلاب اسلامی از دغدغه‌های حزبی خود بگویند. چه اینکه پس از ۴ سال اغمای احزاب اصلاح‌طلب در دولت گذشته حالا چهار سال است که احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب نفسی گرفته‌اند و برای اثرگذاری در صحنه سیاست کشور می‌کوشند. محسن میردامادی در این جلسه از استفاده بهینه نخبگان سیاسی در بزنگاه‌های تاریخی برای شکل‌گیری احزاب فراگیر گفت. او البته یکی از بزنگاه‌های تاریخی مهم را در دولت اصلاحات دانسته و معتقد است که در آن دوران اصلاح‌طلبان باید با محوریت رییس دولت اصلاحات دست به ایجاد تشکیلاتی فراگیر می‌زدند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب البته با تاسف گفت که نخبگان اصلاح‌طلب این فرصت را از دست دادند. او همچنین نسخه موثر امروز کشور را شکل‌گیری دو جبهه فراگیر اصلاح‌طلب و اصولگرا دانست و از دو جناح سیاسی خواست برای این مهم بکوشند چرا که تشکیلات فراگیر و قدرتمند نیاز به رقبایی قدرتمند نیز دارند.

تحول‌خواهان از روند تحزب در ایران معاصر ناراضی‌اند

به گزارش «اعتماد» میردامادی، در این نشست با اشاره به عدم رضایت سیاست‌ورزان و تحول‌خواهان در ایران از روند تحزب در دوران معاصر در کشور با طرح یک سوال گفت: در بررسی مشکلاتی که در فرآیند تحزب در کشور وجود دارد این سوال مطرح است که آیا همه تلاش‌های ممکن صورت گرفته و از فرصت‌ها به نحو مناسب استفاده شده و ما اکنون در این جایگاه ایستاده‌ایم؟ وی افزود: این اصل پذیرفته‌شده‌ای است و همواره تکرار شده است که دموکراسی و تحزب همزاد و همراه و مکمل یکدیگر بوده و پا به پای هم رشد می‌کنند. اصل دیگر هم این است که قدرت مطلقه با دموکراسی قابل جمع نیست. ما نمی‌توانیم کشوری را پیدا کنیم که در آن قدرت مطلقه و دموکراسی در کنار یکدیگر باشند. طبعا بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که قدرت مطلقه با تحزب قابل جمع نیست.

احزاب نمایندگان طبقات اجتماعی هستند

این نماینده مجلس ششم شکل‌گیری احزاب را حول شکاف‌های اجتماعی دانسته و اظهار کرد: پایگاه اجتماعی احزاب طبقات اجتماعی در جامعه هستند که آن طبقات توسط شکاف‌های اجتماعی از یکدیگر مجزا می‌شوند. احزاب این طبقات را نمایندگی و از منافع آنها حمایت می‌کنند. او اضافه کرد: شکاف‌های کلاسیکی که در مطالعات تحولات سیاسی- اجتماعی اروپا بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، شکاف‌های دولت-کلیسا، مرکز- حاشیه، صنعت- کشاورزی یا شهر- روستا و سرمایه-کار است. البته در جوامع شکاف‌های دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد مانند شکاف‌های قومیتی یا مذهبی و امثال آن. اما در هر جامعه‌ای در ادوار زمانی مختلف یکی از شکاف‌ها می‌تواند به شکاف اصلی تبدیل شود. میردامادی از غلبه نگاه‌های ایده آلیستی بر نگاه واقع گرایانه چنین گفت: موضوع دیگری که به خصوص در جوامع دارای شرایط انقلابی موضوعیت دارد و باید مورد توجه قرار گیرد، غلبه نگاه‌های آرمان گرایانه و ایده آلیستی است که بسیاری از رویکردهای واقع گرایانه و متعارف را نمی‌پسندد. وی نتیجه‌گیری کرد: در چنین شرایطی پدیده‌هایی همچون حزب و تحزب منفی تلقی می‌شود.

> **اگر تشکیلات فراگیری داشتیم در سال ۸۴ با سه یا چهار کاندیدا وارد انتخابات نمی‌شدیم. این بزرگ‌ترین نشانه عدم وجود یک حزب فراگیر و کارآمد است. اگر چنین تشکیلاتی داشتیم هیچگاه آقای احمدی‌نژاد رییس‌جمهور نمی‌شد**

نمونه بارز این فضا و شرایط را در دوران اولیه پس از استقلال امریکا می‌توانیم ببینیم. در آن دوره نوع رهبران استقلال امریکا نگاه مثبتی به احزاب نداشتند و آنها را دارودسته‌هایی می‌دیدند که ملت را دچار تفرقه می‌کنند. جورج واشنگتن از اثرات زیان‌بار حمیت حزبی که ملت جدید را تقسیم و احتمالا نابود می‌کند سخن می‌گفت. البته نوع این شخصیت‌ها پس از مدتی احزاب را به عنوان نهادی اجتناب‌ناپذیر پذیرفتند.

نمی‌توان گفت همیشه استبداد اجازه شکل‌گیری احزاب را نمی‌داده است

آیا در کشور ما در صدسال گذشته همواره قدرت مطلقه‌ای حاکم بوده که اجازه نداده است احزاب شکل گرفته و نهادینه شوند یا فرآیند تحزب در ایران با مشکلات و نارسایی‌های دیگری مواجه بوده است؟ این نماینده مجلس ششم در پاسخ به این سوال چنین اظهار کرد: قطعا در دوره‌هایی چنین قدرت مطلقه‌ای به عنوان مانع اصلی وجود داشته، اما آیا می‌توان گفت که در دهه ۱۳۲۰ هم همین شرایط وجود داشته است؟ اگر وجود داشته، چگونه در آن دوران حزب توده، با وجود آنکه مرامی کمونیستی داشت که در جامعه مذهبی ما امکان فعالیت آن را محدود می‌کرد، آن قدر رشد کرد و در صحنه سیاسی کشور به نهادی تاثیرگذار تبدیل شد؟ اما چرا در همین دوره نیروهای ملی یا مذهبی نتوانستند حزبی تاثیرگذار شکل بدهند؟ وی ادامه داد: پرسش بعدی این است که در دوران دکتر مصدق آیا امکان شکل‌گیری حزب وجود نداشت؟ در آن زمان دولت در دست نیروهای تحول‌خواه بود و مرحوم مصدق هم از محبوبیت بالایی در میان مردم برخوردار بود و اگر درصدد تاسیس حزبی برمی‌آمد قطعا مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت؛ لذا نمی‌توان گفت همیشه و در همه مقاطع استبداد بوده که اجازه شکل‌گیری احزاب و تحزب را نمی‌داده است. وی به این گمانه که برخی تصور می‌کنند پس از انقلاب نیز ساختار قدرت اجازه شکل‌گیری احزاب تاثیرگذار را نداده است، چنین پاسخ داد: من تردید دارم که این تصور صحیح باشد و انتخاب آقای خاتمی یا آقای روحانی و همین انتخابات اخیر مجلس نشان می‌دهد که چنین مانعی به صورت جدی وجود ندارد و ما در شرایطی قرار نداریم که شکل‌گیری و فعالیت احزاب امکان‌پذیر نباشد. بنابراین برای تحلیل چرایی عدم موفقیت احزاب باید به دنبال دلایل دیگری باشیم.

اصلی‌ترین شکاف امروز کشور اقتدارگرایی-دموکراسی خواهی است

این نماینده مجلس ششم با تاکید بر اینکه از نظر شکاف‌های اجتماعی در جامعه ما نمی‌توان شکاف‌هایی همچون فرادستان و فرودستان را نفی کرد، گفت: علاوه بر آن شکاف‌هایی مانند قومیت و مذهب نیز وجود دارند، ولی هیچ یک از این شکاف‌ها، شکاف اصلی نیستند. به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر شکاف اصلی که بر دیگر شکاف‌ها غالب شده، شکاف اقتدارگرایی-دموکراسی‌خواهی است. بسیاری از شکاف‌های دیگر همچون قومیت و مذهب نیز ذیل این شکاف قرار می‌گیرند. میردامادی در ادامه به تحلیل وضعیت احزاب در ایران پرداخته و تصریح کرد: از نظر زمینه اجتماعی و رویکرد مردم نسبت به احزاب نیز شواهد نشان می‌دهد که شرایط برای فعالیت حزبی نامناسب نیست. تجربیات گذشته مانیز نشان می‌دهد هم در بین نخبگان و هم در میان مردم پتانسیل و قابلیت لازم برای راه‌اندازی و اداره یک حزب توانمند وجود دارد. به لحاظ میزان اعضای احزاب در جوامع پیشرفته سیاسی، اعضای احزاب بزرگ حدود یک درصد جمعیت اینگونه کشورها هستند. مثلا در کشور آلمان که حدود ۸۰ میلیون جمعیت دارد حزب سوسیالیست، حدود ۸۰۰ هزار و حزب دموکرات مسیحی حدود ۶۰۰ هزار عضو دارند. حزب سبز و حزب دموکرات آزاد و احزاب دیگر این کشور اعضای بسیار کمتری دارند. در مجموع در اینگونه کشورها مجموع اعضای احزاب نوعا از حدود ۲ درصد بیشتر نیست. در کشور ما نیز بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته ،گفته می‌شود بین ۳ الی ۴ درصد مردم آمادگی همکاری با احزاب را دارند. اگر این درصد در مرحله عمل به ۲ و حتی ۱ درصد هم برسد، کاملا مطلوب است.

نگرانی از بروز دیکتاتوری حزبی

میردامادی که در سال‌های گذشته دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی بود با اشاره به تجربیات این حزب اظهار کرد: ما در جبهه مشارکت در بسیاری از مواقع نمی‌توانستیم پاسخگوی افرادی باشیم که می‌خواستند به عضویت حزب درآیند و این اتفاق هم مکرر رخ می‌داد. وقتی که ما چنین شرایطی داریم طبعا نمی‌توانیم بگوییم مردم به احزاب اقبال نشان نمی‌دهند بلکه نخبگانی که باید مدیریت و ظرفیت‌سازی کنند قادر به استفاده بهینه از ظرفیت‌های مردم نبوده‌اند. وی ادامه داد: البته به این نکته نیز باید اشاره کرد که در ذهن برخی نخبگان علاقه‌مند به فعالیت حزبی نگرانی‌هایی نیز وجود دارد، از جمله اینکه چه تضمینی وجود دارد که احزاب کارآمد نهایتا به دیکتاتوری حزبی مبتلا نشوند؟ اتفاقات و تجربیاتی هم رخ داده که این نگرانی را تا حدی موجه می‌کند. وی با تاکید بر اینکه ترکیه نمونه‌ای جدید از این نگرانی است، گفت: شعار اصلی حزب عدالت و توسعه ترکیه، برقراری دموکراسی و کوتاه کردن دست نظامی‌ها از عرصه‌های سیاسی در آن کشور بود. این حزب از حمایت اتحادیه اروپا در این جهت بهره برد و با کوتاه کردن دست نظامی‌ها موقعیت خود را به خوبی تثبیت کرد. ولی اینک اردوغانی را می‌بینیم که از آن شعارها فاصله گرفته و بسیاری از اقدامات سابق را خود انجام می‌دهد. در واقع اردوغان برخاسته از یک حزب سیاسی دموکراسی‌خواه اکنون خود به یک دیکتاتور تمام‌عیار تبدیل شده است. این نماینده مجلس ششم با اشاره به اینکه این نگرانی قابل تامل است و در صورت شکل‌گیری نظام حزبی و تحزب باید سازوکارهایی پیش‌بینی شود که احزاب از آرمان‌ها و قول و قرارهای خود با مردم فاصله نگیرند، افزود: در اکثر قریب به اتفاق کشورهایی که دارای نظام حزبی هستند، این سازوکارها وجود دارد و چنین اتفاقاتی نمی‌افتد و پدیده‌هایی مثل اردوغان در نظام‌های حزبی استثنا هستند و نه قاعده.

زیان‌های فقدان احزاب

او ادامه داد: البته دفاع از تحزب و نظام حزبی به این معنا نیست که چنین نظامی فاقد عیب و ایراد است ولی تجربه بشری نشان داده است که محاسن تحزب به مراتب بیش از معایب آن است و جایگزین بهتری برای آن وجود ندارد. در فقدان احزاب، جامعه به جامعه‌ای بی‌تفاوت یا تمیزه تبدیل می‌شود که افراد در آن منفردا تصمیم می‌گیرند و می‌توانند مورد استفاده صاحبان قدرت قرار بگیرند. در چنین جامعه‌ای برای مردم فاقد ساماندهی امکان پرسشگری و حساب‌کشی از مسوولان وجود ندارد. میردامادی در ادامه به یادآوری پرسش‌های مقدماتی پرداخت: چرا جامعه ما تاکنون در تحزب موفق نبوده است؟ باتوجه به اینکه روشنفکران و مردم ما پذیرش آن را داشته‌اند و شرایط تاریخی ما نیز در مقاطعی برای نهادینه کردن تحزب مناسب بوده، چرا این اتفاق رخ نداده است؟ وی افزود: در اینجا موضوع بزنگاه‌های تاریخی ملت‌ها مطرح می‌شود. در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» نوشته عجم‌اوقلو و رابینسون به این سوال مهم پرداخته می‌شود که چرا در میان جوامعی که در تاریخ خود شرایطی نسبتا مشابه را طی کرده‌اند برخی بسیار پیشرفت کرده‌اند اما برخی از آنها درجا زده یا به عقب رفته‌اند. در آن کتاب توضیح داده می‌شود که هر ملت و جامعه‌ای در طول تاریخ خود با بزنگاه‌هایی تاریخی مواجه می‌شود که در صورت بهره‌برداری صحیح از آن فرصت، گامی بلند به جلو برمی‌دارند و در صورت عدم استفاده از آن بزنگاه و فرصت درجا زده و پیشرفتی نمی‌کنند. مشهودترین مثال سال‌های اخیر برای این امر کشور مصر است که پس از قیام مردم و سقوط مبارک بعد از دوران طولانی دیکتاتوری آن جامعه بزنگاهی تاریخی برای حرکت به سوی دموکراسی به دست آورد ولی نخبگان آن کشور نتوانستند از آن استفاده کنند و مجددا محکوم به حکومتی شبیه حکومت مبارک شدند. رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ششم با تاکید بر اینکه مشکل اصلی جامعه ما نیز عدم بهره‌برداری مناسب از بزنگاه‌های تاریخی خود بوده است، اظهار داشت: دهه ۱۳۲۰ و بعد از رفتن رضا شاه، تا اواخر دهه که به تدریج قدرت شاه تثبیت شد یکی از این بزنگاه‌های تاریخی بود. در این دوره کاملا امکان فعالیت حزبی و نهادینه کردن احزاب وجود داشت. ولی به‌جای سازمان‌یابی و بهره‌برداری از آن فرصت تاریخی در آن سال‌ها نیروهای سیاسی با همدیگر درگیر بودند و روزنامه‌ها و گروه‌ها به طور وسیع و شدید از یکدیگر بدگویی می‌کردند. وی افزود: آقای موحد در کتاب ارزشمند «خواب آشفته نفت» در وصف تاریخ آن دوره می‌گوید که رضاخان که رفت اقتدار قوه مجریه را هم با خود برد و کم‌کم مجلس جان گرفت و خواست از دولت فاصله بگیرد و استقلال خود را بازیابد. محمدرضا که او را به جای پدر بر اریکه سلطنت نشانده بودند در اوایل مشق دموکراسی می‌کرد و جوان‌تر و بی‌دل و جرات‌تر از آن بود که با جای پای پدر بگذارد و رویای جباریت در دل بپروراند. اما مجلس که در نبود احزاب جولانگاه خودنمایی‌ها و جنجال‌آفرینی‌ها و دسته‌بندی‌ها بود، همراه با روزنامه‌ها که رنگ هوچی‌گری و باج‌خواهی بر آنها غلبه داشت، امان دولت‌ها را می‌بریدند و عملا دولت و دربار را به هم نزدیک می‌کردند که حاصل آن تقویت دربار و دخالت روزافزون آن در امور، از جمله انتخابات مجلس می‌شد.

> **این سوال مطرح است که آیا همه تلاش‌های ممکن صورت گرفته و از فرصت‌ها به نحو مناسب استفاده شده و ما اکنون در این جایگاه ایستاده‌ایم؟**
> **ما در شرایطی قرار نداریم که شکل‌گیری و فعالیت احزاب امکان‌پذیر نباشد. بنابراین برای تحلیل چرایی عدم موفقیت احزاب باید به دنبال دلایل دیگری باشیم.**
> **در دهه‌های اخیر شکاف اصلی که بر دیگر شکاف‌ها غالب شده، شکاف اقتدارگرایی- دموکراسی‌خواهی است. بسیاری از شکاف‌های دیگر همچون قومیت و مذهب نیز ذیل این شکاف قرار می‌گیرند.**
> **مرحوم دکتر مصدق در مقابل اصرار دوستان خود که محور حزبی شده و تشکیل حزب بدهد مقاومت کرده و نپذیرفت که سردمدار یک حزب سیاسی شود و در مقابل اصرارها جبهه ملی را راه‌اندازی کرد.**
> **اگر در دوران اصلاحات حزبی با محوریت آقای خاتمی تشکیل می‌شد، با محبوبیتی که ایشان داشت، قطعا می‌توانست به حزب فراگیر و موفقی تبدیل شود.**

حزب توده تشکیلاتی بود که از فرصت‌ها استفاده کرد

میردامادی گفت: تنها گروهی که در آن دوره توانست از فرصت استفاده کند و تشکیلاتی جدی ایجاد کند حزب توده بود که آن هم عمدتا نقشی منفی ایفا کرد. دوران دکتر مصدق نیز قطعا یکی از همان بزنگاه‌های تاریخی ما بوده که امکان تحزب وجود داشته است. مرحوم دکتر مصدق در مقابل اصرار دوستان خود که محور حزبی شده و تشکیل حزب بدهد مقاومت کرده و نپذیرفت که سردمدار یک حزب سیاسی شود و در مقابل اصرارها جبهه ملی را راه‌اندازی کرد. وی ادامه داد: جبهه ملی در آن زمان تشکیلاتی ضعیف بود و قادر به مدیریت و هدایت تحولات سیاسی جامعه نبود. به عنوان مثال، در انتخابات مجلس هفدهم که در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق برگزار شد و ۱۳۶ نماینده باید انتخاب می‌شدند جبهه ملی تنها ۱۵ کاندیدا، ۹ نفر برای تهران و ۶ نفر برای شهرستان‌ها به مردم معرفی کرد. یعنی توان یک تشکیلات سیاسی این بود که از ۱۳۶ نماینده تنها ۱۵ کاندیدا معرفی کند. مشخص است که چنین تشکیلاتی نمی‌تواند تحولات بزرگی که در آن دوره در حال شکل‌گیری بود را مدیریت و با مخاطرات مقابله کند. میردامادی با بیان اینکه اگر مصدق می‌پذیرفت و لیدر یک حزب سیاسی می‌شد با محبوبیتی که داشت حتما حزب موفق و فراگیر می‌شد، تصریح کرد: در این صورت به احتمال زیاد کودتا یا رخ نمی‌داد یا موفق نمی‌شد، چون موضوع احتمال کودتا از یک سال قبل از وقوع آن مطرح بود. به تعبیر محمدعلی موحد، تنزه‌طلبی دکتر مصدق مانع می‌شد که وی خود محور یک حزب قرار گیرد.

دو بزنگاه انقلاب اسلامی و اصلاحات

این نماینده مجلس ششم در ادامه به بزنگاه دیگر کشور یعنی انقلاب اسلامی اشاره کرده و گفت: انقلاب شرایطی را ایجاد کرد که امکان تحزب وجود داشت و نمی‌توان گفت حاکمیت این اجازه را نمی‌داد. بیشتر دیدگاه‌های ایده‌آلیستی بود که می‌گفت با چنین انقلابی مانیاز به حزب و ایجاد واسطه بین مردم و حکومت نداریم، برخی هم بر این باور بودند که شبکه مساجد می‌توانند چنین نقشی را ایفا کنند و خلأ و کمبودی وجود نخواهد داشت. او در ادامه به دوران اصلاحات به عنوان گامی بلند به سوی تحزب اشاره کرد: در دوران اصلاحات البته فعالیت حزبی قابل توجهی صورت گرفت اما اگر در آن دوران حزبی با محوریت آقای خاتمی تشکیل می‌شد، با محبوبیتی که ایشان داشت، قطعا می‌توانست به حزب فراگیر و موفقی تبدیل شود. در این صورت به احتمال قوی اصولگرایان نیز برای حفظ موقعیت سیاسی خود در جامعه به سمت شکل دادن تشکیلات مشابهی سوق پیدا می‌کردند و عملا گام‌های اولیه به سمت رقابت حزبی برداشته می‌شد. شاید اگر اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در آن زمان تجربه امروز را داشتند چنین آرزویی محقق می‌شد. محسن میردامادی از عدم استفاده مطلوب نخبگان در جهت تحزب در تاریخ یکصد ساله اخیر کشور در بزنگاه‌ها و فرصت‌های مناسب گفت و توصیه کرد: نسل امروز با درس‌آموزی از تجارب گذشته باید از اینگونه فرصت‌ها که در آینده نیز به وجود خواهد آمد استفاده کند. اگر بخواهیم شرایط فعلی خود را بررسی کنیم باید توجه کنیم که ما امروز در دوران گذار به سر می‌بریم. ما از یک جامعه که برخی از مولفه‌های دموکراسی و مقدمات تحزب را دارد می‌خواهیم به سمت یک جامعه دموکراتیک حرکت کرده و به سایر ابعاد دموکراسی و تحزب دست پیدا کنیم. این دوران، دوران گذار است و شرایط فعالی